



آثار تربیتی و حضور قلب در نماز از دیدگاه عالمان ربانی و عارفان الهی

نماز، ابراز پرستش و عبادت مخصوصی است که بنده در پیشگاه خدا انجام می دهد. نماز، جزء جدایی ناپذیر همه شرایع الهی بوده و در هر دینی به صورتی خاص وجود داشته است، چنان که خداوند در قرآن فرموده: (ان الصلوه کانت علی المومنین کتابا موقوتا)....

نماز، ابراز پرستش و عبادت مخصوصی است که بنده در پیشگاه خدا انجام می دهد. نماز، جزء جدایی ناپذیر همه شرایع الهی بوده و در هر دینی به صورتی خاص وجود داشته است، چنان که خداوند در قرآن فرموده: (ان الصلوه کانت علی المومنین کتابا موقوتا). (1)

معنای واژگانی نماز

نماز که در عربی لفظ (صلاه) بر آن اطلاق می شود، به گفته بسیاری از لغت شناسان به معنای دعا، تبریک و تمجید است و چون اصل وریشه این عبادت مخصوص، دعا بوده آن را از باب نام گذاری چیزی به اسم جزءش، صلاه [نماز] گذاشته اند. و بعضی گفته اند: (صلاه) مشتق از کلمه (صلاه) است که به معنای آتش برافروخته است و از این جهت به این عبادت خاص (صلاه) گفته شد، زیرا کسی که نماز بخواند، خود را به وسیله این عبادت و بندگی از آتش برافروخته الهی دور می سازد. (2)

معنای عرفانی نماز

بعضی از بزرگان نیز صلاه را از (تصلیه) مشتق دانسته اند، به این معنا که عرب هنگامی که می خواست چوب کج را راست کند آن را به آتش نزدیک کرده، در معرض حرارت قرار می داد و به آن تصلیه می گفتند. با توجه به این معنا گویی نماز گزار وقتی به نماز می ایستد و توجه به مبدا اعلاء پیدا می کند به واسطه حرارتی که در اثر حرکت صعودی و نزدیک شدن به کانون حقیقت معنوی در نفسش حاصل می شود، قدرت پیدا می کند کج رفتاری های نفس را که بر اثر توجه به غیر خدا و میل به باطل پیدا شده، راست و تعدیل نماید. (3)

جایگاه نماز در اسلام

نماز در فروع دین جایگاه ویژه و بلندی دارد و پس از مسئله ولایت از همه مهم تر است. نماز، بهترین وسیله برای قرب به پروردگار متعال می باشد، چنان که بعضی روایات گویای این حقیقت است. معاویه بن وهب گوید: از امام صادق (ع) پرسیدم بالاترین و محبوبترین چیزی که سبب می شود بندگان به وسیله آن به خدا نزدیک شوند چیست؟ حضرت فرمود: (ما اعلم شیئا بعد المعرفة افضل من هذه الصلاه، بعد از شناخت خدا، چیزی را از این نماز برتر نمی دانم). (4)

امام صادق (ع) فرمود: (احب الاعمال الي الله عزوجل الصلاه وهي آخر وصايا الانبياء، محبوب ترین اعمال در پیشگاه الهی نماز است که آخرین سفارش پیامبران است). (5)

در اهمیت نماز همین بس که پیامبر اکرم (ص) از آن به عنوان ستون دین تعبیر فرموده است. (6)

سخنانی از آن احیاگر بزرگ اندیشه اسلامی امام خمینی (ره) در عصر حاضر درباره اهمیت نماز و نقش سازنده آن نقل می کنیم. امام خمینی (قدس سره) فرمود: (این نمازهای پنج گانه که عمود دین و پایه محکم ایمان است و در اسلام چیزی بعد از ایمان به اهمیت آن نیست، بعد از توجهات نوریه باطنیه و صور غیبیه ملکوتیه، که غیر از حق تعالی و خاصان درگاه او کسی نداند، یکی از جهات مهمه که در آن هست این تکرار تذکر حق - با آداب و اوضاع الهی که در آن منظور گردیده است - رابطه انسان را با حقتعالی و عوالم غیبیه محکم می کند، و ملکه خضوع لله در قلب ایجاد کند، و شجره طیبه توحید و تفرید را در قلب محکم کند به طوری که با هیچ چیز از آن زایل نشود). (7)

آثار اجتماعی نماز

نماز دارای آثار اجتماعی بسیاری است که امام خمینی (ره) در سخنی به تاثیر نماز در اصلاح جامعه و جلوگیری از تخلفات و بزه کاری و مفساد اجتماعی اشاره کرده و آن را به عنوان يك کارخانه انسان سازی معرفی کرده است: (در اسلام از نماز هیچ فریضه ای بالاتر نیست... شما پرونده هایی که در دادگستری ها، در جاهای دیگر، دادگاه ها هست، بروید ببینید، از نماز خوان ها ببینید پرونده هست آن جا؟ از بی نمازها پرونده هست، هرچه پرونده پیدا کنید، پرونده بی نمازها است. نماز پشتوانه ملت است. سیدالشهدا در همان ظهر عاشورا که جنگ بود - آن جنگ بزرگ بود و همه در معرض خطر بودند وقتی یکی از اصحاب گفت ظهر شده است، فرمود که یادمن آوردید، یاد آوردید نماز را، خدا تو را از نماز گزاران حساب کند و ایستاد همان جا نماز خواند. نگفت که ما می خواهیم جنگ بکنیم، خیر، جنگ را برای نماز کردند... جنگ برای این است که مردم آن زباله هایی که هستند، آن هایی که مانع از پیاده شدن اسلام هستند، آن هایی که مانع از ترقی مسلمین هستند، آن ها را از بین راه بردارند، مقصد این است که اسلام را پیاده کنند و با اسلام انسان درست کنند. نماز يك کارخانه انسان سازی است. نماز خوب، فحشا و منکر را از يك امتی بیرون می کند، این هایی که در این مراکز فساد کشیده شدند، این ها هم بی نمازها هستند.

نماز خوان ها تو [ی] مساجدند و مهیابند برای خدمت، مسجدها را خالی نکنید. (8)

سازندگی نماز وقتی آشکار می شود که بدانیم انسان با اعمال و رفتارش ساخته می شود و به دیگر بیان روحیات انسان از کردار و رفتار ارادی اش شکل می گیرد و برای او ملکه حاصل می شود. بساگر کسی آداب ظاهری و باطنی نماز را که مجموعه شرایط صحت و قبولی نماز است، رعایت کند و در اقامه این فریضه بزرگ الهی بکوشد، کم کم ملکه پاکي و تقوا در روحش پدید آمده و انسان کامل می گردد، زیرا آداب نماز، انسان را به اموری چون رعایت نظافت و پاکي، مراعات حقوق دیگران، انضباط و وقت شناسی، وحدت جهت و هم سوئی با مسلمانان، خویشترن داری و تسلط بر نفس، بزرگ دیدن خداوند و کوچک دیدن غیر او، صلح و هم زیستی مسالمت آمیز با مومنان و زدودن گناهان و پالایش روح از آلودگی های اخلاقی و امور دیگری که لازمه کمال انسانی است، سوق می دهد. (9)

نماز حقیقی دارای دو بعد است: بعد ظاهری که به منزله پیکره نماز است و بعد باطنی که روح و حقیقت آن می باشد. هر يك از این دو بعد احکام و آداب ویژه ای دارند، نماز با وجود این دو بعد کامل می شود، یعنی همان گونه که نماز بدون رعایت احکام و شرایط ظاهری، باطل است. مراعات نکردن آداب باطنی و قلبی نماز نیز موجب قبول نشدن آن گشته، انسان را به قرب حضرت حق نمی رساند. بی شک از مهم ترین آداب باطنی نماز، بلکه تنها راه رسیدن به اسرار و آثار و نتایج آن، همانا حضور قلب است. بهره هرکس از نماز، به اندازه حضور قلب اوست و چه زیبا فرموده آن مجاهد فی سبیل الله و عارف بالله، امام خمینی که: «کلید گنجینه اعمال و باب الابواب همه

سعادت، حضور قلب است که بآن، فتح باب سعادت بر انسان می‌شود، و بدون آن جمیع عبادات از درجه اعتبار ساقط می‌گردد.»

مطالب حاضر، برگرفته از افادات عالمان ربانی و عارفان الهی است که خود از اصحاب سیر و سلوک بوده و در پی سال‌ها عبادت و مجاهدت و ریاضت، راه وصول به قرب الهی را طی نموده و به جوار ربّ العزّز نایل آمده و همواره خود را حاضر در محضر او دیده‌اند. آن بزرگان با استفاده از انوار سخنان معصومین علیهم‌السلام کتاب‌های ارزشمندی درباره آداب باطنی و قلبی نماز تألیف کرده و آن‌ها را اسرار الصلّاة نام نهاده‌اند.

در میان این آثار، در زمینه «حضور قلب در نماز» اثر مستقّلی به چشم نمی‌خورد، گرچه برخی از این عالمان سترگ بخشی از اثر خود را به آن اختصاص داده‌اند. در این نوشتار مطالب مربوط به حضور قلب در نماز، از لابلای آثار آن بزرگان گردآوری شده و به جویندگان حقایق و معارف ناب اسلامی عرضه شده است. اکنون می‌پردازیم به ارائه گزارشی از دیدگاه‌های برگزیده درباره حضور قلب در نماز:

دیدگاه شهید ثانی درباره حضور قلب

نخستین بخش این کتاب ارزشمند دیدگاه عالم بزرگ شیعه شهید ثانی درباره حضور قلب است، ایشان قبل از ورود به بحث اصلی بیانات عالمانه‌ای راجع به تحقیق در معنای قلب ارائه نموده و در قسمتی از آن بحث فرموده است: بندگی و عبادت مانند کالبد و تنی است که جان و روان آن، همان توجه قلبی به پیشگاه حضرت پروردگار است. این توجه و اقبال، میزان قبولی اعمال و معیار فزونی پاداش‌ها در دارالجنان است. و در پرتو همین توجه و روی کرد، انسان می‌تواند خود را شایسته بهشت‌برین و نعمت‌های جاوید آن سازد. نعمت‌هایی که هرگز دیده‌ای نظیر آن را ندیده و گوشی شبیه آن را نشنیده و به قلب انسانی خطور ننموده است. به وسیله همین اقبال و توجه باطنی است که انسان خاکی می‌تواند به جهان پاک ملکوت راه بیابد و در افق پهناور فرشتگان بال بگشاید و از جهان غیب و شهود کسب فیض کند.

در پرتو این توجه و اقبال قلبی، از عبادتی اندک، پاداشی بیکران به دست آید. میزان پاداش‌ها بستگی به این توجه درونی و اقبال قلبی در افعال و اقوال، و حرکات و سکنت، و تفکر در اسرار نهفته در عبادت مورد نظر دارد. قلب به دلیل صفا و جلای که دارد، همانند یک آینه صاف و شفاف می‌تواند انوار و تجلیات الهی را به سوی خود جذب کند، ولی در اثر عوامل خارجی که برخلاف روحانیت و نورانیت ذاتی‌اش می‌تواند بر آن عارض شود، استعداد پذیرش تجلیات ربانی را از دست می‌دهد و قابلیت پذیرش آلودگی‌ها و تباهی‌ها و محرومیت‌ها در آن پدید می‌آید. استعداد پذیرش انوار الهی در قلب، به حدی است که می‌تواند در اثر تابش انوار الهی به جایی برسد که حقایق بسیاری برای او کشف شود و دقایق بی‌شماری برای او منکشف گردد.

کوتاه سخن این که به مجرد بپا داشتن صورت نماز و تلاش برای ادای تکلیف، شیطان از تو دور نمی‌شود، بلکه برای راندن آن رعایت اصول دیگر، از جمله اصلاح درون و پیراستن خویش از رذایل لازم است که صفات نکوهیده یاران و انصار شیطان است و بدون دفع صفات رذیله، عبادت نه تنها سودی نمی‌بخشد، بلکه احیاناً ضرر هم می‌رساند. مرحوم شهید ثانی سپس وارد بحث لزوم حضور قلب در نماز شده و با استفاده از آیات و روایات بسیاری به اثبات این موضوع می‌پردازد که در همه عبادت‌ها بخصوص نماز که در رأس آن‌ها قرار دارد، حضور قلب لازم است. ایشان در ادامه بحث پس از ذکر احادیث فراوان می‌فرماید: از احادیثی که نقل کردیم استفاده می‌شود که قبولی نماز مشروط به توجه قلبی به سوی خداوند و روی گرداندن از غیر اوست، و نیز قبولی نماز موجب قبولی دیگر اعمال است. از این رو اهمیت حضور قلب و توجه درونی در نماز، به خوبی روشن می‌شود، و نیز واضح می‌شود که بی‌توجهی و غفلت از آن، موجب خساراتی بزرگ و زبانی جبران‌ناپذیر است. وی سپس به بحث «راه تحصیل حضور قلب» می‌پردازد و ضمن برشماری صفات قلبی شخص مؤمن به عنوان نتیجه‌گیری می‌فرماید: از این رو می‌توان گفت: بهترین راه ایجاد حضور قلب و توجه خاطر، مبارزه جدی با هجوم افکار پراکنده و آشفته است.

برای دفع هجوم این افکار و اوهام، راهی جز دفع انگیزه‌های آن‌ها نیست، زیرا افکار پراکنده به انسان فشار می‌آورد و مانع توجه قلب می‌شود، لذا باید علل و اسباب آن را یافت و از بین برد.

علل هجوم این افکار دو نوع است: 1- خارجی، 2- داخلی.

ایشان پس از آن به بررسی هر یک از دو عامل فوق پرداخته و علت دوم را مهم‌تر دانسته و می‌فرماید: علل داخلی تشبّت افکار از علل خارجی آن شدیدتر است و لذا مبارزه با آن نیز سخت‌تر است. زیرا کسی که افکارش دستخوش امواج سهمگین اقیانوس زندگی شده، و رشته ارتباطش از هم گسسته، و مرغ افکارش از شاخه‌ای به شاخه‌ای می‌پرد، فرویستن دیده، در نماز، او را سودی نمی‌بخشد، و افکارش در یک نقطه تمرکز پیدا نمی‌کند، زیرا آنچه در دل جای گرفته، برای پراکندگی خاطر کافی است.

برای مبارزه با عوامل داخلی تشبّت افکار، مناسب‌ترین راه این است که نمازگزار خود را به فهم معنای مطالب نماز وادار کند، تا هر مطلبی که به زبان می‌راند معنای دقیق آن را بفهمد و روی آن تأمل کند و اندیشه خود را با آن مشغول سازد تا افکار پراکنده در دلش جای نگیرد. برای تقویت این معنا شایسته است که پیش از تکبیر الاحرام، یاد آخرت کند و ایستادن در عرصه‌های محشر و موقف حساب و کتاب را به یاد آورد و ناله و فریاد اکبر و هول و وحشت همگانی روز رستاخیز را با خود بازگو و دلش را از مطالب دنیوی و افکار پراکنده خالی کند و در چنین حالی تکبیر الاحرام گفته، وارد نماز شود و اجازه ندهد که چیزی وارد قلب شده، آن را مشغول سازد. این راه تحصیل آرامش دل و تسکین خاطر است.

این عالم بزرگ در پایان این بحث می‌فرماید: دل انسانی نیز همواره مورد تهاجم این افکار است و هر قدر نمازگزار آن‌ها را براند، حریص‌تر می‌شوند و با تلاش بیشتر باز می‌گردند و هجوم می‌آورند. و بسیار به ندرت اتفاق می‌افتد که قلب انسانی از هجوم این افکار باز دارنده از توجه قلبی خالی باشد. سبب همه این تشبّت افکار و تهاجم اوهام یک چیز می‌باشد و آن «حب دنیا» است که در حدیث آمده است: «حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ» آری محبّت دنیا سر سلسله همه گناهان است، هر پلیدی از آن ناشی می‌شود و هر نقصی از آن پدید می‌آید. کسی که دلش را بر محبت دنیا و دارد و به هر مال و منال روی آورد و دنیا را برای دنیا بخواهد - نه به عنوان توشه آخرت - هرگز نباید طمع درک لذت مناجات را داشته باشد، که هرکس برای حطام دنیا فرحناک باشد، برای مناجات پروردگار احساس فرح نخواهد کرد.

هرکس به هر چیزی علاقه و محبت داشته باشد، همه همت خود را در راه رسیدن به آن صرف می‌کند، کسی که دنیا را نور دیده و روشنایی دل خود می‌داند، به ناگزیر همه هم و غم خود را در این راه صرف می‌کند. چنین افرادی نیز نباید تلاش برای مبارزه با تشبّت افکار را ترك کنند، بلکه باید کوشش کنند که دلشان متوجه خدا و یاد خدا شود و به قدر امکان از تهاجم این افکار پراکنده در امان بمانند.

حضور قلب در بیان سید بن طاووس

بخش دوم کتاب، دیدگاه جمال‌السالکین سید بن طاووس درباره حضور قلب در نماز است. ایشان در آغاز بحث می‌فرماید: اگر در حرکات و سکنت خود همواره از یاد پروردگار غافل باشی و دائماً خود را غرق در فکر دنیا و هوای نفس خویش نمای، ناگزیر هنگام حضور در نماز، نیازمند آن هستی که با رنج و تعب، با رشته عقل خویش، دل از خدا گریخته‌ات را حاضر ساخته و به ایستادن در پیشگاه مولایت وادار نمایی، و به یادش آوری که خدا تو را دعوت به ملاقات نموده و همواره در محضر او هستی و تو را می‌بیند، و نیز با عقل و قلب خود قصد کنی که می‌خواهی خداوند را از آن جهت که شایسته عبادت است، پرستش کنی و مانند عبادان حقیقی، در

محضر مناجات با او حاضر شوي و عبادت خداوند جل جلاله را بجا آوري و شايسته است هنگامی که «الله اکبر» می‌گویی و مشغول سخن گفتن با خدا می‌شوی، در فکر فهم معنای این سخن باشی و بدانی که مشغول عبادت هستی، نه صرف تلفظ با حال غفلت و بر طبق عادت. و نیز باید در گفتن آن صادق باشی. مرحوم ابن طاووس در ادامه بحث، درک عظمت خداوند را سبب ایجاد حضور قلب دانسته، در این باره احادیثی از حالات ائمه اطهار علیهم السلام را نقل نموده و سپس می‌فرماید: بر ما همگی واجب است که به خاطر هیبت و احترامی که خداوند جل جلاله ذاتا مستحق آن است، همواره از او بیم و هراس داشته باشیم، ولی غفلت، ما را به جایی رسانده که از او بیم نداریم، و حتی از خوف و هراس معصومین علیهم السلام که باید در عبادات الهی به آنان اقتدا کنیم، بی‌رونی نکرده و از خدا نمی‌هراسیم، و همچنین به خاطر مخالفت‌های پی‌درپی‌مان با خواسته‌های او و کوچک شمردن امر و نهی و حبّ و قرب و مناجات با خدا، از او بیم نداشته و در نماز حضور قلب نداریم. البته این به سبب جهل و نادانی به مقام معبود می‌باشد که به جهل منکران و کافران نزدیک است.

بحث بعدی در این بخش حضور قلب در هنگام گفتن اذکار نماز است. سیدبن طاووس با نقل یک روایت می‌فرماید: مولایمان امام جعفر صادق علیه السلام در حال قرائت در نماز دچار حالت بی‌هوشی شد، وقتی به هوش آمد، از او پرسیدند: چه چیز باعث شد که حال شما به این حالت منتهی شود. حضرت فرمود: پیوسته آیات قرآن را تکرار می‌نمودم، تا این‌که به حالتی رسیدم که گویی شفاها آن را از کسی که نازل فرمود به مکاشفه و عیان شنیدم، لذا قوه بشری تاب مکاشفه جلال الهی را نیاورد. مباحث این بخش با دو بحث حضور قلب در هنگام رکوع و سجده پایان می‌پذیرد.

حضور قلب در بیان امام خمینی قدس سره

بخش سوم کتاب به اولین مقاله از حضرت امام خمینی قدس سره اختصاص دارد، ایشان در آغاز سخن می‌فرماید: یکی از مهمات آداب قلبیه که شاید کنیری از آداب، مقدمه آن باشد و عبادت را بدون آن روح و روانی نیست و خود مفتاح قفل کمالات و باب‌الابواب سعادات است، و در احادیث شریفه کمتر چیزی این قدر ذکر شده و به کمتر ادبی این قدر اهمیت داده شده، حضور قلب است.

در ادامه بحث، امام راحل، به برخی اسرار و فواید عبادات با دلالت عقلی اشاره فرموده و آورده است: از این جهت است که می‌بینید در ما پس از چهل-پنجاه سال عبادت اثری حاصل نشده، بلکه روز به روز به ظلمت قلب و تعصّب قوا افزوده می‌شود، لحظه به لحظه اشتیاق ما به طبیعت و اطاعت از هواهای نفسانی و وسوس شیطانیه افزون می‌شود. در مقاله مذکور سپس، به نقش شیطان که با وسوسه‌های خود قلب را تسخیر می‌کند، و انواع حیل‌های او مشروحا پرداخته شده و آن‌گاه احادیثی درباره حضور قلب ذکر شده است.

«دعوت به تحصیل حضور قلب» عنوان بحث بعدی است که در آغاز آن آمده است: اکنون که فضیلت و خواص حضور قلب را عقلا و نقلا دانستی و ضررهای ترک آن را فهمیدی، علم تنها کفایت نکند، بلکه حجت را تمام تر نماید، دامن همت به کمر زن و آنچه رادانستی، درصدد تحصیل آن باش و علم خود را عملی کن تا استفاده از آن بری و برخوردار از آن شوی. سپس در ادامه این بحث چنین آمده:

پس ای عزیز، اگر ایمان به آنچه ذکر شد - که گفته انبیا علیهم السلام است- آوردی و خود را برای تحصیل سعادت و سفر آخرت مهیا نمودی، و لازم دانستی حضور قلب را که کلید گنج سعادت است، تحصیل کنی، راه تحصیل، آن است که اولاً رفع موانع حضور قلب را نمایی و خارهای طریقی را از سر راه سلوک ریشه کن کنی، و پس از آن اقدام به خود آن کنی.

در ادامه بحث موانع حضور قلب این‌گونه بیان شده است: اما مانع حضور قلب در عبادات، تشنّت خاطر و کثرت واردات قلبیه است که گاهی از امور خارجه و طرق حواسّ ظاهره حاصل می‌شود، مثل آن‌که گوش انسان در حال عبادت چیزی بشنود و خاطر به آن متعلق شده، مبدأ تخیلات و تفکرات باطنیه شود، و واهمه و متصرفه در آن تصرف کرده، از شاخه‌ای به شاخه‌ای پرواز کند، یا چشم انسان چیزی را ببیند و منشأ تشنّت خاطر و تصرف متصرفه گردد، یا سایر حواس انسان، چیزی ادراک کند و از آن انتقالات خیالی حاصل شود. در سخنان حضرت امام خمینی قدس سره برای درمان حواس پرتی و تشنّت خاطر آمده است:

بسیاری گمان می‌کنند که حفظ طایر خیال و رام نمودن آن، از حیز امکان خارج و ملحق به محالات عاده است، ولی این‌طور نیست و با تمرین و ریاضت و تربیت و صرف وقت، آن را می‌توان رام نمود و طایر خیال را می‌توان به دست آورد، به‌طوری که در تحت اختیار و اراده حرکت کند که هر وقت بخواهد آن را در مقصدی یا مطلبی حبس کند که چند ساعت در همان مقصد حبس شود. طریق عمده رام نمودن آن، عمل به خلاف است. آن‌چنان که انسان در وقت نماز، خود را مهیا کند که حفظ خیال در نماز کند و آن را حبس در عمل نماید. پایان بخش این مقاله بحث «حب دنیا باعث تشنّت خیال و مانع حضور قلب» است که به‌طور گسترده به آن پرداخته است. بیانات شیخ بهایی درباره حضور قلب بخش چهارم کتاب مطالبی از علامه ذوقنون شیخ بهایی است، در این بخش پس از ذکر حدیثی جالب از امام صادق علیه السلام درباره فهم معنای اذکار نماز آمده است:

سزاوار آن است که نمازگزار، معنای اذکار و آنچه در نماز می‌خواند و نیز معنای ادعیه و تعقیبات آن را ملاحظه نماید، چه، می‌باید که از روی دانستگی و فهمیدگی به‌جا آورد، تا ذکر گفتن و دعا خواندن و قرائت کردن او، مجرد حرکت دادن زبان، به غیر ملاحظه معنای مقصوده آن، نبوده باشد، چه اگر چنین باشد، حال او مثل شخص عربی باشد که تلفظ به کلام فارسی می‌کرده و شعور به معنای آن چیزی که تلفظ می‌کند نداشته باشد. یا مثل حال ساهی و غافل و مصروعی که تکلم به چیزی می‌نماید، بدون آن که معنی آن به خاطر ایشان گذرد و ندانند که چه می‌گویند.

بخش پنجم کتاب دیدگاه محدث و حکیم بزرگ مولا محسن فیض کاشانی است. در این بخش مطالب سودمندی در زیر این عناوین مطرح شده است: «دلایل حضور قلب در نماز»، «رابطه نماز با حضور قلب»، «آیا حضور قلب شرط صحت نماز است»، «راه درمان موانع حضور قلب»، «عوامل بیرونی و درونی خطورات قلبی». در ابتدای این مقال آمده است: بدان که ادله شرط بودن خشوع و حضور قلب در آیات و احادیث بسیار است، از جمله آن‌ها فرموده خداوند متعال است: «أَوْمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» «نماز را برای یاد من بپا دار».

فعل امر «أوم» ظاهر برای وجوب است و غفلت ضد ذکر و یاد می‌باشد، لذا کسی که در همه نمازش غافل و بی‌توجه است، چگونه ممکن است نماز را برای ذکر و یاد خداوند بپا داشته باشد و نیز قول خداوند که می‌فرماید: «وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ» «... و از غافلان مباش».

مبنی بر نهی بوده و ظاهر آن دلالت بر تحریم غفلت دارد و نیز آیه: «حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ»:

«باید بدانید که [در نماز] چه می‌گویید»

این آیه بیانگر عتت نهی مستان در دنیا از ورود به نماز است و همین عتت در انسان غافل که عرف در مقاصد و وسوسه‌های خود و افکار دنیوی می‌باشد نیز شایع و ثابت است.

در ادامه علامه فیض کاشانی، به بحث درباره شش عامل که باعث کامل شدن نماز می‌شود اشاره دارد که عبارتند از: حضور قلب و فهمیدن معنای اذکار و تعظیم خداوند و هیبت باری تعالی و امیدداشتن و حیا نمودن. بخش ششم کتاب دربر دارنده قسمت دوم از دیدگاه حضرت امام خمینی قدس سره درباره حضور قلب است. این بخش

شرح و توضیح يك حدیث از حضرت امام صادق علیه السلام می باشد که محتوای آن توجه به حضور قلب است. فراز نخست، بحث فراغت وقت و فراغت قلب در عبادت است. درباره فراغت قلب در عبادت آمده است: و از فراغت وقت مهمتر فراغت قلب است. بلکه فراغت وقت نیز مقدمه ای برای این فراغت است و آنچنان است که انسان در وقت اشتغال به عبادت، خود را از اشتغالات و هموم دنیایی فارغ کند، و توجه قلب را از امور متفرقه و خواطر متشتته منصرف نماید، و دل را يكسره خالی و خالص برای توجه به عبادت نماید.

ادامه بحث درباره مراتب حضور قلب است که این چنین بیان شده است: پس از آن که معلوم شد که حضور قلب در عبادات، قلب و روح عبادات است و نورانیت و مراتب کمال آن، بسته به حضور قلب و مراتب آن است، اکنون باید دانست که از برای حضور قلب مراتبی است که بعضی از آن مراتب اختصاص دارد به اولیای حق، و دست دیگران از وصول به قله آن کوتاه است، ولی بعضی مراتب آن برای سلسله رعیت نیز ممکن الحصول است. و باید دانست که حضور قلب به طریق کلی منقسم شود به دو قسمت عمده: یکی حضور قلب در عبادت، و دیگر حضور قلب در معبود.

سپس در مورد هر يك بطور مبسوط به بحث و بررسی پرداخته آنگاه راجع به راه دستیابی به حضور قلب آمده است:

بدان که حضور قلب در عبادات حاصل نشود مگر به افهام نمودن به قلب اهمیت عبادات و آن در حقیقت میسر نشود مگر به فهمیدن اسرار و حقایق آنها.

عنوانهای بعدی مقاله حضرت امام خمینی قدس سره بدین قرار است:

نوافل جبران کننده نقایص نمازهای واجب، فراغت در عبادت موجد غنای قلب.

دیدگاه ملاء مهدی نراقی در حضور قلب

بخش هفتم کتاب شامل دیدگاه علامه محقق مولی مهدی نراقی است که این چنین آغاز می شود:

نماز معجزونی آسمانی و ترکیبی الهی است که از اجزای بسیار، مرکب است، این اجزا در فضیلت و اهتمام به آنها متفاوت اند. بعضی از آنها به منزله روح است و بعضی به مثابه اعضای رئیسه و بعضی در حکم دیگر اعضا. انسان چون حقیقتی است مرکب از اجزای معین، موجودی کامل نمی باشد، مگر به معنای باطنی که همان روح است و روح آن حضور قلب است.

در ادامه به بیان شرایط و معانی باطنی که روح و حقیقت نماز است پرداخته و آمده است: روشن است که امور مذکور حقیقت و روح نماز و نیز مقصود اصلی از آن هستند. زیرا غرض اصلی از عبادات و طاعات، پالایش نفس و روشن و صافی کردن جان است، پس هر عملی که تأثیر آن در صفا دادن و شفاف ساختن دل بیشتر باشد، برتر است و شکی نیست که آنچه موجب صفا و جلای نفس و تجرد و زدودگی آن از کدورتها می شود جز امور مذکور نیست و حرکات ظاهری چندان مدخلیتی در صفای آنها ندارد، چگونه حضور قلب و خشوع، روح نماز نباشد و کمال نماز به آن بسته نباشد و حال آنکه نمازگزار در نماز و دعای خود، در مقام مناجات با پروردگار است؟ در ادامه بحث مرحوم نراقی، احادیثی درباره حالات ائمه اطهار علیهم السلام در نماز ذکر شده و پس از آن آمده است: با توجه به آنچه از کیفیت نماز انبیا و اولیا دانستی و آنگاه نماز خود و نماز مردم را ملاحظه کردی، پی می بری که مردم در نماز بر چند قسم اند:

1) غافلانی که نماز خویش به پایان می برند، در حالی که يك لحظه حضور قلب ندارند.

2) کسانی که در بخشی از نماز خود غفلت و در بخشی دیگر حضور قلب دارند، اینها نیز به حسب کمی یا زیادی حضور قلب و غفلت و فزونی یکی بر دیگری مختلفند، و مراتب آنها نامتناهی است.

3) آنان که نماز خود را تمام می کنند و دلشان لحظه ای غایب نیست، بلکه در همه نماز خود حضور قلب دارند و همه همت و اندیشه ایشان نماز است، به طوری که آنچه نزد آنان می گذرد احساس نکنند، چنان که مولای ما امیر مؤمنان علیه السلام بیرون کشیدن پیکان از پای مبارک را احساس نکرد.

این بخش بایان پاسخ به يك اشکال پایان می پذیرد. بخش هشتم کتاب دیدگاه محدث و فقیه بزرگ شیعه آیه الله سید عبداللہ شبر است. حضور قلب از دیدگاه میرزا جواد آقا ملکی بحث بعدی کتاب دیدگاه عارف بزرگ و فقیه سترگ، آیه الله میرزا جواد آقا ملکی تبریزی است که در بخش نهم جای گرفته است. ایشان پس از آیات و روایاتی که بیانگر حقیقت نماز است می فرماید: با ملاحظه آنچه روایت شده، تشریح نماز در معراج پیامبر صلی الله علیه و آله بوده و عروج آن بزرگوار به وسیله اجزای نماز بوده، و همچنین آنچه که درباره نماز انبیا و ائمه علیهم السلام از آن حالات عالی رسیده، و آن روایاتی که می گوید: ذات اقدس حق نزد تمام اجزای افعال و اذکار نماز بنده مؤمن است، و برای نماز چهار هزار باب است، و نماز ستون دین است که اگر قبول شد بقیه اعمال هم قبول خواهد شد و اگر رد شد بقیه هم رد می شود، و این که نام نماز و اجزای آن در کتب الهی و سنت انبیا آمده، تمام اینها به حکم عرف و لغت بهترین دلیل بر این حقیقت است که مراد از نماز، تنها صورت ظاهری بدون توجه به حقیقت آن نیست. این عارف بزرگ سپس به بحث «عوامل تحقق حقیقت نماز» پرداخته آنگاه فرموده است: سبب پیدایش حضور قلب، همت آدمی است، زیرا قلب، تابع همت و اراده بوده و اگر همت تو نماز باشد، قلبت هم در نماز حاضر خواهد بود، ولی اگر همتت در پی چیز دیگری باشد، قلبت هم از نماز غافل و نزد همان چیز خواهد بود، چون خداوند برای هیچ کس دو قلب قرار نداده است.

برای احضار قلب در نماز، راهی جز این که همتت را متوجه نماز سازی نیست، زیرا همواره همت انسان متوجه امری می شود که خیری در آن گمان داشته باشد و آن را مایه سعادت خود بداند. لذا حضور قلب در هنگام نماز، تابع ایمان انسان به حقیقت نماز و این که نماز از همه اعمال بهتر و برتر است، می باشد.

در جای دیگر این بحث آمده است: بهترین و کاملترین نوع حضور قلب این است که قلب نمازگزار در تمام اعمال و گفتار و اذکار نماز متوجه همان عمل و قول باشد و مراعات حضور پروردگارش را کند و متوجه باشد که این اعمال را در حضور او ادا می کند، تأمل و تفکر درباره جزئی از نماز، او را از توجه به آن جز که مشغول انجام آن است باز ندارد و در هنگام انجام هر عملی یا ادای هر ذکر به فکر آن عمل و یادکر باشد و بداند که در آن لحظه، انجام آن جز از نماز و ادای آن ذکر از او خواسته شده و از خدا بخواد که او را کمک کند تا آن جز را همانگونه که از او خواسته انجام دهد.

ایشان در قسمتی دیگر از مقاله خود می نویسد:

آن کس که باطنش بر محبت دنیا سرشته شده و همش پیوسته در پی تحصیل دنیا و اشتغال به حفظ و تکمیل آن است، آن هم نه به حد ضرورت، بلکه به خاطر محبت و لذت - که دنیای مذموم هم همین دنیاست که آدمی را از ذکر و یاد خدا باز می دارد- چنین کسی نباید انتظار داشته باشد که طعم محبت خدا را بچشد و لذت مناجات با او را آنچنان که زاهدان در نماز و دیگر عبادات و طاعات خود می چشند، دریابد. زیرا کسی که از کسب دنیا خوشحال شود، قطعاً از توجه به خدا و مناجات با او خوشحال و مسرور نخواهد شد، همت آدمی متوجه چیزی است که دلباخته و علاقه مند به آن باشد، اگر دلباخته دنیا باشد، همتش هم در پی آن است و اگر علاقه مند به نماز باشد، همتش نیز متوجه آن خواهد بود و علاج کامل همین است.

بخش پایانی کتاب قسمت سوم از دیدگاه حضرت امام خمینی قدس سره است که در ابتدای آن آمده است: بر ارباب بصیرت و معرفت و مطلع بر اسرار اخبار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام پوشیده نیست که روح عبادت و تمام و کمال آن به حضور قلب و اقبال به آن است، هیچ عبادتی بدون آن مقبول درگاه احدیت و مورد نظر

لطف و رحمت نشود و از درجه اعتبار ساقط است.

ادامه بحث درباره بیان حضور قلب اجمالی و تفصیلی است، پس از بیان حضور قلب اجمالی چنین آمده:

مرتبه دوم از حضور قلب، حضور قلب در عبادت است تفصیلاً، و آن، چنان است که قلب عابد در جمیع عبادت حاضر باشد و بداند که حقّ را به چه توصیف می‌کند و چطور مناجات می‌کند. از برای آن مراتب و مقاماتی بسیار متفاوت است، حسب تفاوت مقامات قلوب و معارف عابدان. و باید دانست که احاطه تفصیلیه به اسرار عبادات و کیفیت مدح و ثنای به هر یک، برای احدی جز گمل اصفیا به طریق افاضه و وحی الهی ممکن نیست. و ما اینجا به طریق اجمال، مراتب کلیه آن را بیان می‌کنیم.

امام راحل قدس سره سپس به بیان چهار گروه از نمازگزاران پرداخته و در مورد گروه چهارم فرموده است:

و این طایفه، از اهل شهود و کشف، حضور قلبشان در عبادت، عبارت از آن است که جمیع حقایقی را که صورت عبادات کاشف آنها است، و اسراری را که اوضاع و اقوال عبادات مظاهر آنها است، بالعیان مشاهده کنند، پس در وقت تکبیرات افتتاحیه، کشف حجب سبیه بر آنها گردیده و حرق آن را نمایند، و در تکبیر آخر، کشف سُبُحات جلال و جمال بر آنها گردیده، به مناسبت قلوب آنها، با استعاده از شیطان قاطع طریق و جلوه اسم الله الجامع، وارد محامد گردند. چنانچه اشاره‌ای به آن در محل خود بیاید، انشاء الله.

در پایان، زیر عنوان «اموری که به تحصیل حضور قلب کمک می‌کند» آمده است: و آن در نماز اموری چند است که پس از این در مواقع خود بعضی از آن را ذکر می‌کنیم و اکنون به طریق کلیّی برای مطلق عبادات علاجی ذکر می‌کنیم و آن این است که انسان شواغل داخلی و خارجی را که مهم‌تر از همه شواغل قلبیه است، قطع کند. شواغل قلبیه سبب عمده یا منحصرش حبّ دنیا و هم آن است. اگر انسان هم‌اَش تحصیل دنیا و رسیدن به زخارف آن باشد، البته قلب فطرتاً متوجه به آن می‌شود و شغل شاغلش آن می‌شود.

پاوقیها:

(1) - رك: الراغب الاصفهاني، المفردات، دفتر نشر الكتاب، ص، 285 سید احمد فهری، پرواز در ملکوت.

(3) - رك: سید احمد فهری، پرواز در ملکوت، (شرح و تفسیر آداب الصلوه امام خمینی) ص 22.

(4) - وسائل الشیعه، ج 3، ص 26.

(5) - همان.

(6) - رك: میزان الحکمه، چاپ جدید، ج 2، ص 1627.

(7) - امام خمینی، چهل حدیث، ص 498.

(8) - صحیفه نور (چاپ جدید) ج 7، ص 289.

(9) - برای اطلاع بیشتر در این زمینه رجوع شود به کتاب طهارت روح (آثار تربیتی نماز از دیدگاه شهید مطهری).

منابع:

عنوان کتاب: حضور قلب در نماز از دیدگاه عالمان ربانی و عارفان الهی

ملاحظات: این کتاب با آثاری از سیدبن طاوس، شهید ثانی، شیخ بهایی، فیض کاشانی، ملامهدی نراقی، سید عبدالله شیر، میرزا جوادملکی، امام خمینی بجای رسیده است.